

The word order Analysis of Sogdian potential structure

Ali Sabounchi

PhD, Ancient Iranian Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies,
Tehran, Iran. E_mail: m.alisabounchi@gmail.com

Abstract

The encounter of the Sogdian language with the concept of “to be able” among Middle Iranian languages is significant. In Sogdian, the potential structure has replaced the concept of “to be able”. The active potential is made from the past stem and the auxiliary verbs kwn- or wn-, and the passive potential is made from the past stem and the auxiliary verb β(w)-. Dryer in “Greenberg’s Word Order Correlations” has not chosen a particular pair for the auxiliary verb in the sense of “to be able” and the main verb. But Dabir-Moghaddam, in the *Typology of Iranian languages*, devoted the twentieth component of his research to “the order of the main verb and auxiliary verbs in the sense of ‘to be able’”. The following study demonstrates how the word order of the potential structure in Sogdian is not discussed in the twentieth component of Dabir-Moghaddam, but rather in the twelfth component of his research, “the order of the main verb and tense-aspect auxiliary verb”. This corresponds to the sixth correlation pair number of Dryer, i.e., tense-aspect auxiliary verb and VP. Moreover, the study shows how the verb β’w- in “The Rostam Story” and the combined verb qt’ wn- and qt’ qt’r- in the Christian texts solve the problem of the current lack of the sense of “to be able”. As a result, the order of β’w- / qt’ wn- and their main verb aligns with the twentieth component of Dabir-Moghaddam.

Keywords: Sogdian, Pair of Elements, Potential Structure, The Concept of “to be able”

Receive Date: 07 May 2026	Revise Date: 15 June 2026	Accept Date: 15 June 2026
How to Cite: Sabounchi, A. (2024).The word order Analysis of Sogdian potential structure. <i>Journal of Ancient Culture and Languages</i> . 2(5). pp. 77- 100		
Publisher: Yadegare Bastan Research Center for Ancient Culture and Languages		



10.22034/aclr.2026.2088198.1167



بررسی آرایش سازه ساخت وجه امکانی در زبان سغدی

علی صابونچی

دکتری فرهنگ و زبان های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. m.alisabounchi@gmail.com

چکیده

مواجهه زبان سغدی با مفهوم «توانستن» در میان زبان های ایرانی میانه، قابل توجه است. در زبان سغدی، ساخت وجه امکانی جایگزین مفهوم «توانستن» شده است. وجه امکانی معلوم از ماده گذشته و صرف فعل کمکی -kwn یا -wn و وجه امکانی مجهول از ماده گذشته و صرف فعل کمکی -β(w) ساخته می شود. در این در «همبستگی های آرایش واژه گرینبرگ»، جفت عنصر ویژه ای را برای فعل کمکی در مفهوم «توانستن» و عبارت فعلی برگزیده است. اما دبیرمقدم در رده شناسی زبان های ایرانی مؤلفه بیستم پژوهش را به «توالی فعل اصلی و فعل های کمکی در مفهوم توانستن» اختصاص داده است. در پژوهش پیش رو نشان داده شد که چگونه آرایش ساخت وجه امکانی در زبان سغدی، نه در مؤلفه بیستم پژوهش دبیرمقدم بلکه در مؤلفه دوازدهم پژوهش، یعنی «توالی فعلی اصلی و فعل کمکی زمان-نمود» جای می گیرد که منطبق با جفت همبستگی ششم در این، یعنی فعل کمکی بازنمای زمان-نمود و عبارت فعلی است. از سوی دیگر نشان داده شد که چگونه فعل -β'w در معنی «قادر بودن و توانستن» در متن غیردینی «داستان رستم» و فعل ترکیبی -qt' wn و -qt' r' qt در متون دینی مسیحی، مشکل کمبود فعلی در مفهوم «توانستن» را در زبان سغدی حل کرده است. در نتیجه می توان آرایش فعل های کمکی اخیر و فعل اصلی شان را با مؤلفه بیست پژوهش دبیرمقدم منطبق دانست.

کلیدواژه ها: سغدی، آرایش سازه، جفت عنصر، وجه امکانی، مفهوم توانستن

تاریخ دریافت: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵	تاریخ بازنگری: ۲۵ خرداد ۱۴۰۵	تاریخ پذیرش: ۲۵ خرداد ۱۴۰۵
استناد به این مقاله: صابونچی، ع. (۱۴۰۳). بررسی آرایش سازه ساخت وجه امکانی در زبان سغدی. دو فصل نامه علمی پژوهش نامه فرهنگ و زبان های باستانی. ۲(۵)، ۷۷-۱۰۰.		
ناشر: مؤسسه پژوهشی فرهنگ و زبان های باستانی یادگار باستان		

۱. مقدمه

زبان سغدی از گروه شرقی زبان‌های ایرانی میانه است. این زبان از قرن نخست تا سیزدهم میلادی در ناحیهٔ سغد، ماوراءالنهر و شمال شرق خراسان بزرگ، رواج داشته است. آثار موجود از این زبان چشمگیر و متنوع و در مقایسه با دیگر زبان‌های ایرانی میانهٔ شرقی، از حجم قابل توجهی برخوردار است. این آثار را می‌توان با توجه به محتوایشان به دو گروه دینی و غیردینی تقسیم کرد. متون غیردینی شامل کتیبه‌ها و سکه‌نوشته‌ها، نامه‌های یافت‌شده در دیوار چین، اسناد کوه مغ و آثار پراکندهٔ دیگر است. آثار دینی در خدمت باورها و اعتقادات دین‌های بودایی، مانوی و مسیحی‌اند. خطوط به‌کارگرفته برای نگارش زبان سغدی در دورهٔ میانه، سه نوع خط سغدی، مانوی و سریانی بوده است (قریب، ۱۳۷۴، صص. یازده تا بیست و چهار؛ زرشناس، ۱۳۹۰، صص. ۱۳-۱۹).

دستگاه واج‌شناختی، صرفی و نحوی زبان سغدی در میان زبان‌های ایرانی میانه، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که این زبان را متمایز و از جهاتی منحصربه‌فرد می‌کند. این زبان نسبت به همخوان‌های ایرانی باستان برخوردی محافظه‌کارانه داشته و در جهت ابقای آن‌ها بوده است. برای مثال، همخوان‌های انسدادی بی‌واک ایرانی باستان /p/، /t/ و /k/ در آغاز، میان و پایان واژه‌ها تقریباً باقی مانده و بنابر فرایند متداول زبان‌های دورهٔ میانه، به انسدادی‌های واکبر /b/، /d/ و /g/ مگر در مواردی که واج‌گونه‌اند، تبدیل نشده‌اند. در عوض، این زبان برخوردهای نوآورانه‌ای در مواجهه با واکه‌ها از خود نشان داده است. سغدی در مجموع ده واکهٔ سادهٔ /ā/، /ō/، /o/، /ū/، /u/، /a/، /ē/، /e/، /ī/ و /i/ دارد. واج‌گونهٔ [ə] را که اغلب بازماندهٔ هر واکهٔ کوتاه باستانی یا نشانگر یک واکهٔ غیراصیل است، باید به دستگاه واجی این زبان افزود. همچنین شاید سغدی تنها زبان ایرانی میانه باشد که واکهٔ باستانی /r/ را با کیفیت یک واکهٔ منفرد حفظ کرده و سه نوع واج‌گونه با رنگ r از آن منشعب شده است: [ɹ]، [iɹ]، [uɹ]. سغدی افزون‌بر همخوان‌های /m/ و /n/، یک واکهٔ خیشومی شده نیز دارد که در سبک و سنگین شدن ماده‌های فعلی و اسمی اثر می‌گذارد که گاه آن را صورت m یا n واج‌نویسی می‌کنند. افزون‌بر واکه‌های ساده، چند مورد از واکه‌های مرکب /āi/، /āu/ و /ōi/ در این زبان وجود دارد (زرشناس، ۱۳۹۰، صص. ۴۷-۵۰؛ قریب، ۱۳۸۶، صص. ۵۴-۶۲؛ Sims-Williams, 1989, pp. 178-181).

دستگاه صرفی زبان سغدی نیز در مقایسه با زبان‌های دیگر ایرانی میانه، منحصر به فرد است. سغدی دو گونه ناهم‌اند صرف اسم و صفت را در خود جای داده که از نظر بنیادی، کاملاً باهم متفاوت‌اند. گونه اول جلوه‌گر صرف زبان‌های هندی‌واروپایی با پایانه‌های صرفی شش حالت و تمایز سه جنس و سه شمار است و گونه دیگر، نوعی صرف ساده از نوع پیوندی^۱ است که با افزودن دو پسوند، گاه هر یک به تنهایی و گاه باهم، تمام حالت‌ها را نمایش می‌دهند. بزرگ‌ترین عامل ایجاد این دوگانگی، قانون توازن یا هم‌وزنی^۲ مصوت‌ها است و آنچه بر این قانون اثر می‌گذارد، وضع قرار گرفتن تکیه در واژه است (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۵).

دستگاه فعل زبان سغدی هم به سبب داشتن بیشترین شکل‌های بیان کردن زمان‌های گوناگون، وجه و نمود در مقایسه با دیگر زبان‌های ایرانی میانه متمایز است. از سوی دیگر، نوآوری در گونه‌های ماده‌های فعلی این زبان هم قابل توجه است (زرشناس، ۱۳۹۰، ص. ۸۶؛ قریب، ۱۳۸۶، ص. ۶۳؛ Sims-Williams, 1989, p. 187).

به طور کلی، دستگاه فعل زبان سغدی از دو ماده حال و گذشته (ماضی و مضارع) مشتق شده است (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۶۳). ماده‌های حال (مضارع)، با در نظر گرفتن تحولات آوایی، ابقاشده ماده‌های مضارع ایرانی باستان‌اند. پربسامدترین آن بازماندگان ماده‌های مضارع مختوم به -a یا -aya باستانی، ماده‌های مجهول مختوم به -ya باستانی و ماده‌های آغازین مختوم به -sa باستانی‌اند (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۶۸). فعل مضارع دارای وجه‌های اخباری، التزامی، تمنایی، امری و شرطی^۳ است که بر پایه ماده حال (مضارع) و افزودن شناسه‌های صرفی خاص هر وجه ساخته می‌شوند. علاوه بر این‌ها، چهار گونه فعل ماضی نیز در سغدی بر پایه ماده مضارع ساخته می‌شوند: ماضی غیرتام^۴، ماضی ثانویه، ماضی āZدار، ماضی نامحقق^۵ (زرشناس، ۱۳۹۰، ص. ۸۷-۹۱؛ قریب، ۱۳۸۶، ص. ۷۶). فعل آینده (مستقبل) سغدی از فعل تصریفی که معمولاً مضارع

1. agglutinative

2. rhythmic law

3. injunctive

4. imperfect

5. irrealis

اخباری و گاه دیگر وجه‌های آن است، با افزودن جزء تصریف‌نشدنی kām ساخته می‌شود (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۸۱). ماده‌های گذشته (ماضی) مشتق از صفت مفعولی و صفت فاعلی باستانی مختوم به -ta اند (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۷۱). فعل‌هایی که برپایه ماده گذشته (ماضی) ساخته می‌شوند عبارت‌اند از ماضی نقلی و بعید متعدی و لازم، ترکیبات مجهولی و وجه امکانی (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۹۳). سغدی دو نوع مصدر نیز دارد که یکی برپایه ماده حال (مضارع) و دیگری بر پایه ماده گذشته (ماضی) ساخته می‌شود (زرشناس، ۱۳۹۰، ص. ۹۱).

در این بین، مواجهه زبان سغدی با مفهوم «توانستن» قابل توجه است. زبان سغدی ساخت وجه امکانی^۱ را جایگزین مفهوم «توانستن» کرده است. این ساخت جدید براساس ماده گذشته (ماضی) ساخته می‌شود و معنای متفاوتی از دیگر ترکیب‌های مشتق از ماده گذشته (ماضی) دارد (زرشناس، ۱۳۹۰، ص. ۱۱-۱۲؛ قریب، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۲). ساخت وجه امکانی که دو صورت معلوم و مجهول دارد ترکیبی است؛ یعنی از ترکیب ماده گذشته (ماضی) و تصریف فعل‌های کمکی kwn یا wn- «کردن» در معلوم و -β(w) «شدن» در مجهول به وجود آمده است. در این ترکیب، هیچ سازه‌ای مستقلاً در معنا یا مفهوم «توانستن» نیست، بلکه کنار هم قرار گرفتن سازه‌های فعل اصلی در قالب ماده گذشته (ماضی) و فعل‌های کمکی، مفهوم «توانستن» را پدید آورده است. این نکته را هم باید در نظر گرفت که در متون سغدی مسیحی، فعل‌های ترکیبی wn- qt' و qt' r و qt' پدید آمده که مشکل کمبود واژه‌ای در مفهوم «توانستن» را در زبان سغدی حل کند (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۴؛ Benveniste, 1954, p. 58). همچنین در متن غیردینی «داستان رستم»، ماده فعلی -β'w در معنی «توانستن» به کار رفته و مصدر tyty «درآمدن» پس از آن آمده است (Benveniste, 1940, p. 134).

هدف از نگارش مقاله پیش‌رو این است که آرایش سازه‌های ساخت وجه امکانی زبان سغدی برپایه چهارچوب نظری درایر^۲ (1992) و دبیرمقدم (۱۳۹۲) مورد بررسی قرار بگیرد تا مشخص

^۱. potential structure

^۲. Dryer, M. S.

شود که ارتباط میان اجزای این ساخت را می‌توان براساس کدام جفت‌عنصر درایر (1992) یا مؤلفه دبیرمقدم (۱۳۹۲) بررسی کرد.

این نکته را باید در نظر گرفت که پژوهش پیش روی نه تنها تلاش می‌کند نگاهی به ساخت ویژه وجه امکانی داشته باشد و آن روشن‌تر معرفی کند، بلکه می‌کوشد بنا به چهارچوب نظری برگزیده، آرایش سازه این ساخت را بررسی و جفت‌عنصر یا مؤلفه مورد نظر در شناخت بهتر آن را مشخص کند. بررسی آرایش سازه وجه امکانی و تشخیص جفت‌عنصر یا مؤلفه درست در ارتباط با آن، کمک می‌کند درک بهتر و درست‌تری از این ساخت ویژه در زبان‌های ایرانی میانه پیدا شود. در واقع یک رویکرد رده‌شناختی در خدمت بررسی و شناخت دقیق‌تر ساختی ویژه قرار گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

زالمان^۱ (1913, pp. 1140-1141) نخستین کسی بود که ساخت امکانی را در میان زبان‌های ایرانی تشخیص داد و یافته‌هایش را با نمونه‌های زبان یغناپی مقایسه کرد. بنونیست^۲ (1929, p. 68) به یافته‌های زالمان اشاره کرد و مختصراً درباره این سخن گفت که wn- و βw- چگونه می‌توانند در معنای «تحقق یافتن» و «توانستن» به کار روند. رایشلت^۳ (1929, pp. 147-148) نمونه‌هایی از متون سغدی بودایی و هنینگ^۴ (1936, p. 86) نمونه‌هایی را از سغدی مانوی را یافتند. گرشویچ^۵ (1954, pp. 130-131) در *دستور زبان سغدی مانوی*^۶ ساخت امکانی را معرفی و نمونه‌هایی از آن را از متون سغدی، به‌ویژه متون مانوی نقل کرد. او شرح داد که این ساخت برای بیان امکانی به کار می‌رود و وقوع فعلی را می‌رساند. گرشویچ به این نکته تأکید داشت که کاربرد این ساخت گاهی به‌ویژه در جملات منفی است.

¹. Salemann, C.

². Benveniste, E.

³. Reichelt, H.

⁴. Henning, W. B.

⁵. Gershevitch, I.

⁶. *A Grammar of Manichean Sogdian*

بنونیست (1954) در مقاله «بیان «توانستن» در [زبان‌های] ایرانی»^۱ بیان کرد که ساخت وجه امکانی، جانشین مفهوم «توانستن» در سغدی شده و این‌گونه کمبود واژگانی این زبان را برای این مفهوم جبران کرده است. او نظر گرشویچ را ذکر و به الزام تحدید معنایی، اشکال نحوی و کارکردهای دستوری این ساخت اشاره کرد. سپس کوشید نمونه‌هایش را از متون سغدی بودایی، مانوی و مسیحی با توجه به الزامات مورد نظرش، دسته‌بندی کند. او در نهایت، به این نتیجه رسید که ساخت وجه امکانی، برخلاف آنچه گرشویچ بیان داشته، نه برای بیان امکانی یا وقوع فعلی، بلکه برای بیان توانایی و امکانات فاعل در انجام فعلی به کار می‌رود. بنونیست براساس نمونه‌های که از متون سغدی بودایی، مانوی و مسیحی، گرد آورده بود دو گونه مختلف از این ساخت را معرفی کرد: گونه‌ای که مفهوم «توانستن» را بیان می‌کند و گونه‌ای که نقش فعل پیش‌زمانی (فعل مقدم)^۲ را نشان می‌دهد.

قریب^۳ (1965) در رساله دکتری‌اش، بررسی نظام فعلی در زبان سغدی^۴، و سپس در مقاله «نظام فعل در زبان سغدی» (۱۳۸۶، صص. ۱۰۲-۱۰۸) با توجه به نظرات سغدی‌شناسان غربی، ساخت وجه امکانی زبان سغدی را معرفی و جزئیات قابل توجهی را از این ساخت بیان و دسته‌بندی کرد. سیمزویلیامز^۵ (1989, p. 189)، یوشیدا^۶ (2009, p. 302) و زرشناس (۱۳۹۰، صص. ۱۱۱-۱۱۲) نیز، بر مبنای نظر پیشینیان، به‌ویژه بنونیست (1954)، ساخت وجه امکانی را معرفی کردند تاکنون پژوهش مستقلی از منظر رده‌شناسی آرایش سازه، بر روی این ساخت انجام نشده است. فقط صابونچی (۱۳۹۸) در رساله دکتری‌اش، آرایش سازه‌ها در چند متن منشور سغدی مانوی، ساخت وجه امکانی را در پیکره مورد پژوهش خود یافت و ترتیب قرار گرفتن سازه‌های آن را بررسی کرد.

¹. Expression de Pouvoir en Iranien

². anterior

³. Gharib, B.

⁴. Analysis of the verbal system in the sogdian language

⁵. Sims-Williams, N.

⁶. Yoshida, Y.

۳. روش

روش تحلیل داده‌های مقاله پیش‌رو مبتنی بر رویکرد رده‌شناختی آرایش سازه درایر (1992) و دبیرمقدم (۱۳۹۲) است. رده‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه شباهت‌های ساختاری زبان‌ها بدون در نظر گرفتن پیشینه تاریخی آن‌ها می‌پردازد، سپس براساس این شباهت‌ها، زبان‌ها را در دسته‌بندی‌های مختلف قرار می‌دهد. رده‌شناسی از قرن نوزدهم پا به عرصه مطالعات زبان‌شناختی گذاشت. در این بین، رده‌شناسی ساخت‌واژی و رده‌شناسی آرایش سازه به‌طور ویژه، دست‌کم از دیدگاه تاریخی بسیار مهم‌اند. آرایش سازه با مطالعات گرینبرگ^۱ در قرن بیستم توانست نقطه عطفی در مطالعات نحوی زبان‌ها به شمار رود. گرینبرگ در مقاله «برخی همگانی‌های دستور با تأکید ویژه بر توالی عناصر معنادار»^۲، با بررسی سی زبان، چهل‌وپنج همگانی را به دست داد. از میان همگانی‌هایی که گرینبرگ ارائه داد، بیست‌وهشت مورد آن‌ها مرتبط با «ترتیب واژه»، یا به بیانی آشناتر «توالی ارکان اصلی جمله» و هفده همگانی دیگر مرتبط با مقوله‌های تصریفی (هم‌چون زمان، وجه، شخص، شمار و جنس) بود. اصطلاح «ترتیب واژه» گرینبرگ بر ترتیب قرار گرفتن فعل، فاعل و واژگانی کامل و مفعول و واژگانی کامل در روساخت جمله بیانی به هر زبانی دلالت دارد که ترتیب کلمه‌ها در آن زبان ثابت باشد. مشاهدات گرینبرگ در «ترتیب واژه» به شش نوع الگو VSO، SVO، OSV، OVS، VOS، SOV منتهی گشت که تنها سه الگوی VSO، SVO و SOV به‌طور مرتب، در زبان‌ها یافت می‌شود (حکیم‌آرا، ۱۳۹۱، صص. ۱۶-۱۸؛ دبیرمقدم، ۱۳۹۲، ص. ۲۳؛ سورن، ۱۳۸۹، ص. ۳۶۲). درایر (1992) با اتخاذ رویکرد رده‌شناختی گرینبرگ در مقاله «همبستگی‌های آرایش واژه گرینبرگ»^۳، با بررسی ششصد و بیست‌وپنج زبان و تبیین دو نظریه «هسته و وابسته»^۴ و «سوی انشعاب»^۵، به معرفی و دسته‌بندی جفت‌عنصرهایی پرداخت.

1. Greenberg, J. H.

2. Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements

3. The Greenbergian Word Order Correlations

4. Head-Dependent Theory (HDT)

5. Branching Direction Theory (BDT)

درایر (1992) نخست برای تبیین رابطه سازه‌های هم‌الگو با فعل و مفعول، نظریه هسته و وابسته را مطرح کرد و سپس با انتقاد قرار دادن آن، نظریه جایگزین سوی انشعاب را مطرح ساخت. برپایه نظریه هسته و وابسته، سازه هم‌الگو با فعل، «هسته» و سازه هم‌الگو با مفعول، «وابسته» است. مبتنی بر این نظر، آرایش سازه‌های هسته-وابسته بیشتر در زبان‌های VO و آرایش سازه‌های وابسته-هسته در زبان‌های OV به کار رفته است. همچنین بر مبنای نظریه سوی انشعاب، سازه هم‌الگو با فعل «مقوله غیرانشعابی»^۱ و سازه هم‌الگو با مفعول «مقوله انشعابی»^۲ است، بنابراین دو وضعیت براساس سوی انشعاب، برای زبان‌ها در نظر گرفته شد: راست‌انشعابی^۳ و چپ‌انشعابی^۴. درایر (1992) اساس رویکرد خود را بر روی مطالعه و بررسی ارتباط دو سازه یا به عبارت دیگر، یک جفت‌عنصر قرار داد. او بیست‌ودو جفت‌عنصر را در رویکردش در نظر گرفت و آن‌ها را براساس رابطه معنادار میان سازه‌هایشان به دو نوع جفت‌های همبستگی^۵ (هفده جفت) و غیرهمبستگی^۶ (پنج جفت) تقسیم کرد. جفت‌های همبستگی از عنصرهایی تشکیل شده‌اند که میانشان رابطه همبستگی معنادار وجود دارد، ولی در جفت‌های غیرهمبستگی، رابطه همبستگی معنادار وجود ندارد.

جدول ۱ جفت‌های همبستگی را نشان می‌دهد. این جدول برپایه جدول ۳۹ درایر (1992, p. 108) تنظیم شده است.

¹. nonbranching

². branching

³. right-branching

⁴. left-branching

⁵. correlation pairs

⁶. noncorrelation pairs

جدول ۱. جفت های همبستگی درایر (1992)

هم الگو با فعل		هم الگو با مفعول
۱	فعل	مفعول
۲	فعل	فاعل
۳	حرف اضافه	عبارت اسمی
۴	فعل ربطی	گزاره
۵	فعل خواستن	عبارت فعلی
۶	فعل کمکی بازنمای زمان /نمود	عبارت فعلی
۷	فعل کمکی منفی	عبارت فعلی
۸	متمم ساز	جمله
۹	ادات پرسشی	جمله
۱۰	پیرو ساز قیدی	جمله
۱۱	حرف تعریف	اسم
۱۲	اسم جمع ساز	اسم
۱۳	اسم	مضاف الیه
۱۴	اسم	بند موصولی
۱۵	صفت	معیار قیاس
۱۶	فعل	گروه حرف اضافه ای
۱۷	فعل	قید حالت

جدول ۲ جفت های غیر همبستگی را نشان می دهد. این جدول برپایه جدول ۴۰ درایر (1992, p. 108) تنظیم شده است.

جدول ۲. جفت‌های غیرهمبستگی درایر (1992)

وابسته		هسته
۱	صفت	اسم
۲	صفت اشاره	اسم
۳	قید مقدار	صفت
۴	ادات نفی	فعل
۵	ادات بازنمای نمود / زمان	فعل

دبیر مقدم (۱۳۹۲) در رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، مقاله درایر (1992) را اساس بررسی و مطالعه آرایش سازه‌های این زبان‌ها قرار داد. البته او با توجه به ویژگی‌های خاص زبان‌های ایرانی، جفت‌عنصرهای درایر را بازنگری کرد و برخی از آن‌ها را که مصداقی برایشان در زبان‌های ایرانی نو نیافته بود، کنار گذاشت. علاوه بر این، او به پایگاه‌های داده‌های درایر و جفت‌عنصرهای جدیدی که در آن پایگاه ارائه شده بود، توجه کرد. در نتیجه، دبیرمقدم (۱۳۹۲، صص. ۱۲۳-۱۲۴) نوزده جفت‌عنصر را از مقاله درایر (1992) و پنج جفت‌عنصر را از پایگاه داده‌های او برگزید و به بیست‌و‌چهار مؤلفه دست یافت که آن‌ها را معیار بررسی و مطالعه آرایش سازه‌های زبان‌های ایرانی نو قرار داد.

مؤلفه‌های بیست‌و‌چهارگانه دبیرمقدم (۱۳۹۲، صص. ۱۲۴-۱۲۷) عبارت‌اند از:

مؤلفه ۱: نوع حرف اضافه (پیش‌اضافه یا پس‌اضافه؟)

مؤلفه ۲: توالی هسته اسمی و بند موصولی (هسته اسمی پیش از بند موصولی یا پس از آن؟)

مؤلفه ۳: توالی مضاف و مضاف‌الیه (مضاف پیش از مضاف‌الیه یا پس از آن؟)

مؤلفه ۴: صفت و مبنای مقایسه (صفت پیش از مبنای مقایسه یا پس از آن؟)

مؤلفه ۵: توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای (گروه حرف اضافه‌ای پیش از فعل می‌آید یا پس از آن؟)

مؤلفه ۶: توالی فعل و قید حالت (قید حالت پیش از فعل یا پس از آن؟)

- مؤلفه ۷: توالی فعل ربطی و گزاره/ مسند (گزاره/ مسند پیش از فعل اسنادی می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۸: توالی فعل خواستن و فعل بند پیرو (فعل «خواستن» پس از فعل بند پیرو می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۹: توالی موصوف و صفت (صفت پیش از موصوف می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۱۰: توالی صفت اشاره و اسم (صفت اشاره پیش از موصوف می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۱۱: قید مقدار و صفت (قید مقدار پیش از صفت می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۱۲: توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود (فعل کمکی پس از فعل اصلی می‌آید یا پیش از آن؟)
- مؤلفه ۱۳: ادات استفهام (پرسشی) و جمله (ادات استفهام پیش از جمله یا در آغاز) می‌آید یا پس از آن (در پایان)؟
- مؤلفه ۱۴: توالی پیرونمای بند قیدی/ حرف ربطی قیدی و بند (حرف ربط بند قیدی پیش از بند می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۱۵: توالی حرف تعریف و اسم (حرف تعریف پیش از اسم می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۱۶: توالی فعل و فاعل (فاعل پیش از اسم می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۱۷: توالی عدد و اسم (عدد پیش از اسم یا پس از آن می‌آید؟)
- مؤلفه ۱۸: توالی وند زمان-نمود و ستاک فعل (وند زمان-نمود پسوند ستاک فعل است یا پیشوند آن؟)
- مؤلفه ۱۹: توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی (این تکواژ پس از اسم می‌آید یا پیش از اسم؟)
- مؤلفه ۲۰: توالی فعل اصلی و فعل (های) کمکی در مفهوم «توانستن» (آیا فعل «توانستن» پیش از فعل اصلی می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۲۱: توالی متمم‌نما و جمله متمم (نشانه بند متمم/پیرو یا همان متمم‌نما در آغاز جمله پیرو/متمم می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۲۲: حرکت پرسش‌واژه (پرسش‌واژه در جای اصلی خود می‌ماند یا این‌که الزاماً، یعنی به‌اجبار، به ابتدای جمله حرکت می‌کند؟)
- مؤلفه ۲۳: توالی مفعول و فعل (مفعول پیش از فعل می‌آید یا پس از آن؟)
- مؤلفه ۲۴: توالی وند منفی‌ساز و ستاک فعل (وند منفی‌ساز پیشوند یا پسوند؟)
- مؤلفه‌های دبیرمقدم (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که او از جفت‌های همبستگی هفتم و دوازدهم و جفت‌های غیرهمبستگی چهارم و پنجم درایر (1992)، به این دلیل که مصداقی از آن در زبان‌های

ایرانی نو نیافته، صرف نظر کرده است. البته باید به این نکته اشاره کرد جفت‌های غیرهمبستگی چهارم و پنجم درایر که دبیرمقدم آن‌ها را در مؤلفه‌های بیست و چهارگانه‌اش در نظر نگرفته است، در زبان‌های ایرانی باستان و میانه، مصداق دارند. از سوی دیگر همه جفت‌عنصرهای درایر برای بررسی آرایش سازه‌های زبان‌های ایرانی باستان و میانه کافی نیستند، بنابراین برای بررسی و مطالعه آرایش سازه‌های زبان‌های باستانی باید مؤلفه‌هایی را متناسب با ویژگی‌های هر یک از این زبان‌ها بازشناسی و تدوین کرد. صابونچی (۱۳۹۸) در بررسی و مطالعه آرایش سازه‌های زبان سغدی، بیست و هشت مؤلفه را در نظر گرفت که برپایه رویکرد درایر و پژوهش دبیرمقدم بود.

مؤلفه ۲۰ دبیرمقدم (۱۳۹۲) به شکل ترتیب یا آرایش فعل اصلی و فعل کمکی در مفهوم توانستن اختصاص داده شده است. این مؤلفه جایگاه فعل کمکی در مفهوم توانستن را نسبت به فعل اصلی بررسی می‌کند. برای مثال در جفت عنصر «می‌توانم بخوانم» فارسی، «می‌توانم» پیش از فعل اصلی «بخوانم» آمده است. بر اساس نظریه هسته و وابسته درایر (1992) در این جفت عنصر، فعل اصلی «بخوانم» در جایگاه هسته، پس از فعل کمکی «می‌توانم»، در جایگاه وابسته آمده است. و بر اساس نظریه سوی انشعاب درایر (1992)، فعل اصلی «بخوانم»، به عنوان مقوله‌ی غیرانشعابی، پس از فعل کمکی «می‌توانم»، به عنوان مقوله انشعابی، آمده است

روش گردآوری داده‌ها در پژوهش پیش‌رو کتابخانه‌ای است. از میان متون دینی و غیردینی سغدی، متن‌هایی برای نمونه برگزیده و پس از مطالعه، ساخت‌های وجه امکانی آن‌ها پیدا شد. متون برگزیده پژوهش پیش‌رو برای نمونه‌برداری عبارت است از: متون سغدی (Benveniste, 1940) و سنتر جاتکه (Benveniste, 1946)، تمثیل دو مار (Sundermann, 1985)، کیهان‌شناخت مانوی (Henning, 1948)، توبه‌نامه‌های مانوی (Henning, 1936)، داستان‌های سغدی (Henning, 1945)، موعظه نوس روشن (Sundermann, 1992)، دست‌نوشته‌های مسیحی C2 (Sims-Williams, 1985). علاوه بر این، از نمونه‌هایی که بنونیست (1954) ذکر و آن‌ها را دسته‌بندی کرده است، بهره گرفته شد. درنهایت، نمونه‌های یافت‌شده براساس رویکرد برگزیده پژوهش، سنجیده، بررسی و مطالعه شدند.

۴. یافته‌ها

ساخت وجه امکانی ساختی ترکیبی است که از ترکیب ماده گذشته (ماضی) و فعل کمکی ساخته شده است. این ساخت دو نوع وجه امکانی معلوم^۱ و وجه امکانی مجهول^۲ و لازم را دربر می‌گیرد. در فعل‌های معلوم نتیجه رخداد فعل به غیر از فاعل می‌رسد. به همین ترتیب در وجه امکانی معلوم «عدم توانایی انجام عملی» بر غیر فاعل مطرح است. در فعل‌های مجهول و لازم رخداد فعل به فاعل نسبت داده می‌شود. بر همین اساس در وجه امکانی مجهول و لازم «عدم توانایی انجام عملی» متوجه فاعل است. در ادامه با مثال‌های آورده شده جهت دستوری معلوم و مجهول در وجه امکانی بهتر مشخص خواهد شد.

۴-۱. ساخت وجه امکانی معلوم

ساخت وجه امکانی معلوم از ماده گذشته و صورت‌های صرف‌شده فعل‌های کمکی kwn- و wn- ساخته می‌شود. بیشتر نمونه‌های موجود از این ساخت با ادات نفی (L' / ny(y)) همراه است. بنابراین می‌توان این گونه نتیجه گرفت که ساخت امکانی عدم توانایی انجام فعل یا اتمام آن را می‌رساند (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۲).

فعل کمکی kwn- که به صورت kun- واج‌نویسی می‌شود، ماده حال (مضارع)، به معنی «کردن» و بازمانده ماده مضارع *kṛnu- و از ریشه باستانی kar- «کردن، انجام دادن» و فعل کمکی wn- که به صورت wan- واج‌نویسی می‌شود، ماده حال (مضارع)، به معنی «کردن» و «انجام دادن» و بازمانده *kwan- (قریب، ۱۳۷۴، صص. ۲۰۰، ۴۰۸) و احتمالاً از ریشه باستانی kar- «کردن، انجام دادن» است (Cheung, 2007, p. 237).

نمونه‌هایی از ساخت وجه امکانی معلوم آورده خواهد شد:

۱ rty my ZKwh prm'n'h L' ptywštw wn'nt.

^۱. potential active

^۲. potential passive

می‌کنند شنید- نه فرمان حرف مَ پس
تعریف

پس، فرمانم را نمی‌توانند بشنوند (وسنتر جاتکه، سطرهای ۱۲۷۳-۱۲۷۲).

۲ ZK δyw $\check{c} ytk$ L' $pt'yrt$ $wn'nt k'm$.

خواهند کرد آسیب‌رساند- نه شبیح دیو حرف تعریف

دیو [و] شبیح نخواهند توانست آسیب‌برسانند (متن ششم متون سغدی، سطرهای ۱۴۳-۱۴۴).

۳ $\gamma r\beta$ $\check{s}mnt'$ pr $pt\beta yw$ $ny\check{s}'y\delta t$ $wn'n$

کنم گذاشت- احترام بر، به شمن‌ها بسی

به شمن‌های بسیاری بتوانم احترام بگذارم (متن هشتم متون سغدی، سطر ۱۹۶).

۴ rty kw $\gamma r'ywh$ $'pk\check{s}y$ L' $xn\check{s}t$ $kwnty$.

می‌کند کشید- نه کنار تن به‌سوی پس

پس [خود را] به‌سوی بالاتنه نمی‌تواند بکشد (تمثیل دومار، سطرهای ۱۶۱-۱۶۲).

۲-۴. ساخت وجه امکانی مجهول و لازم

ساخت وجه امکانی مجهول و لازم از ماده گذشته و صورت‌های صرف‌شده فعل کمکی $\beta(w)$ - ساخته می‌شود (زرشناس، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۱؛ قریب، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۲). بیشترین کاربرد این ساخت در جمله‌های منفی است. در بسیاری موارد، این ساخت تنها با عنوان «وجه امکانی مجهول» معرفی می‌شود. اگرچه عنوان مجهول برای فعل‌های متعدی صدق می‌کند، ولی برای فعل‌های لازم که با همین ترکیب ساخته می‌شوند، رسا و گویا نیست. باید این نکته را در نظر داشت که وجه امکانی لازم از نظر معنایی، تمایزی با وجه امکانی معلوم ندارد و تمایزش تنها ساختاری است (همان، ص. ۱۰۵).

فعل کمکی $\beta(w)$ - که به‌صورت $\beta(u)$ ، $\beta(aw)$ ، β - واج‌نویسی می‌شود، ماده حال (مضارع) به معنی «بودن» و «شدن» (قریب، ۱۳۷۴، صص. ۹۶، ۱۱۳) و بازمانده ماده مضارع $bawa^*$ و از ریشه باستانی baw - است (Cheung, 2007, pp.17-18).

نمونه‌هایی از ساخت وجه امکانی مجهول و لازم آورده خواهد شد:

۵ 'zw m's'y mrty 'ym ZY L' 'ny'st β'm.

بوم برخواست- نه که ام مرد پیر من

من مرد پیری ام که نمی‌توانم برخیزم (وسنتر جاتکه، سطرهای ۱۱۳۵-۱۱۳۳).

۶ xw δwpnh 'nyty βrzy L' 'nzyst βwt.

بود جست- نه دراز کاملاً دم حرف تعریف

دم [مار] کاملاً دراز [است]، [پس دام] قابل بسته شدن (پردن) نیست (تمثیل دومار، سطر ۱۵۹).

۷ 'rt =šyy xww n'ywk'wyy nyy 'p't βwt.

بود دریافت- نه ژرفا حرف تعریف ش پس

پس ژرفایش نمی‌تواند دریافت شود (کیهان‌شناخت، سطرهای ۲۱-۲۲).

۸ 'yčty ky wyt βnt 't L' wyt βnt.

بوند دید- نه و بوند دید- که چیزها

چیزهایی که قابل دیده شدن‌اند و [چیزهایی که] قابل دیده شدن نیستند (Benveniste, 1954, p. 60).

۳-۴. وجه امکانی و نمایش فعل پیش‌زمانی

بنونیست (1954) ساخت وجه امکانی را به دو گونه دسته‌بندی کرد. یکی گونه‌ای که کمبود فعلی در مفهوم «توانستن» را جبران و معنای توانایی یا عدم‌توانایی در انجام کاری را بر عهده داشت و دیگری که نقش فعل پیش‌زمانی یا فعل مقدم را ایفا می‌کند. این گونه ساخت وجه امکانی در جمله‌هایی که با قید زمان «چون، آنگاه که، وقتی که، همین‌که» آغاز می‌شوند، می‌آید و زمان پیش از عمل توصیف‌شده را بیان می‌کند. بنونیست نسبت به اینکه فعل پایه، ماضی یا مستقبل (آینده) باشد، آن را ماضی مقدم (ماضی در حال انجام)^۱ و مستقبل مقدم (آینده در گذشته)^۲ نامید (Benveniste, 1954, pp. 60-61)؛ همچنین نک. (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۷).

^۱. futur antérieur (anterior past)

^۲. futur antérieur (anterior future)

۴-۳-۱. فعل پیش‌زمانی با فعل‌های کمکی wn- یا kwn-

فعل‌های ماضی مقدم با صرف ماضی فعل کمکی wn- یا kwn- و مستقبل مقدم با صرف التزامی یا تمنایی همان فعل‌های کمکی بیان شده‌اند:

۹ č'n'kw ZK swδ'sn ZKw šr'wk' wytw wnt'

کرد گفت- دعا را آن سوداشن حرف چون
تعریف

rty ZK pr''mn pr δβ'r 'γws'nt 'β'.

شد خرسند هدیه به/ برای برهمن حرف پس
تعریف

چون سوداشن آن دعا را گفت، آن‌گاه برهمن برای هدیه خرسند شد (وسنتر جاتکه،
سطرهای ۵۹۹-۶۰۱).

۱۰ 'YK' pwttw nw'yst' wn''t

کند دعوت کرد- بودا را چون

rty pēβ'nty ZKw nβ'nt wγš'y 'krtyh wn't

کند کار را شادی با آن را دنبال‌هم پس

چون بودا را دعوت کند، آن‌گاه آن کار را متداوم با شادی انجام دهد (سوترای بودا دیانا
سامادیساکارا (Dhy)، سطرهای ۸۰-۸۱).

۱۱ c'n'w 'yw x'n'kh pwrny wyt wn'y

بکند دید- کاملاً خانه ی چون

نکره

rty šy tymn s'et prw kwzp'w'y 'ntwxs'y

کوشیدن اشتیاق بر باید باز شش پس

چون آن [تصویر] را کاملاً ببیند، باید با اشتیاق برای [روبین] معبدی بکشد (سوترای بودا دیانا
سامادیساکارا (Dhy)، سطرهای ۶۶-۶۷).

بیشتر نمونه‌هایی که مستقبل مقدم (آینده در گذشته) را نشان می‌دهند در یکی از متن‌های

بودایی موزه بریتانیا آمده است (Mackenzie, 1976, pp. 53-77).

۴-۳-۲. فعل پیش‌زمانی با فعل کمکی -β(w)

اغلب نمونه‌هایی مجهول و لازم‌گونه دوم ساخت وجه امکانی را می‌توان برابر با ترکیب فعل مجهولی سغدی دانست (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۸). ترکیب مجهولی در سغدی، از صفت مفعولی مختوم به -aka باستانی که در سغدی به y(ʾ) بدل و به صورت ē واج‌نویسی می‌شود- و صرف فعلی‌های کمکی -β(w) «بودن» و «شدن» و ماده مکمل krt/kδt «شدن» ساخته می‌شود (همان، ص. ۱۰۰).

کوشش شد نمونه‌هایی که داده خواهند شد با فعل مجهول خلط نشوند:

۱۲	<u>c'n'kw</u>	s't	<u>sptk</u>	<u>'krty</u>	<u>β't</u>		
	چون	همه	کاملاً	کرده	شود		
	<u>rtty</u>	nwkr	s'st	ZKw	n'kt	δnn	<u>w't</u>
	پس	اکنون	باید	حرف	اژدهای	با	باد
				تعریف	ان		
	<u>pr'yw</u>	wδ'yδ	'γt				
		آمدن	آن‌جا	با/همراه			

چون همه [چیز] کاملاً انجام شود، آن‌گاه باید اژدهایان به‌همراه باد آن‌جا بیایند (متن سوم متون

سغدی، سطرهای ۲۲۲-۲۲۴).

۱۳	<u>c'nw</u>	rw'nddy	n'm	<u>jyryty</u>	<u>wβ't</u>		
	چون	روان‌ها	نام	خوانده	شود		
	kβn	'nc'y					
		توقف‌کن	اندک				

چون نام روان‌ها خوانده شود، اندکی درنگ کن (متن ج (C) *توبه‌نامه‌های مانوی*، سطرهای ۱۴-۱۷).

۴-۴. آرایش سازه‌های ساخت وجه امکانی

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، هیچ‌یک از فعل‌های کمکی در ساخت وجه امکانی، چه معلوم و چه مجهول و لازم، به تنهایی معنا و مفهوم «توانستن» را دربر نمی‌گیرند، بلکه وقتی این فعل‌ها

در این ساخت قرار می‌گیرند از آن اراده مفهوم «توانستن» می‌شود. نکته دیگر این است که اغلب این ساخت با ادات نفی ($L' / ny(y)$) همراه است که این‌گونه باید آن را دلالت‌کننده بر مفهوم «نتوانستن» یا عدم توانایی انجام فعل یا اتمام آن در نظر گرفت.

ساخت وجه امکانی از دو سازه، یکی ماده گذشته (ماضی) و دیگری، جزء فعلی که صرف می‌شود، ساخته شده است. ماده گذشته (ماضی) بازنمای فعل اصلی است و جز فعلی که صرف می‌شود، فعل‌های کمکی $kwn-$ ، $wn-$ و $\beta(w)-$ است. در زبان سغدی، فعل‌های ماضی نقلی و بعید هم از ترکیب ماده گذشته (ماضی) یا صفت مفعولی و فعل کمکی بازنمای زمان و نمود و وجه پدید می‌آیند، برای مثال $krtw \delta'rm$ «کرده‌ام»، $\betasty 'ym$ «بسته شده‌ایم» یا $krt y x'y$ «انجام شده بود» (قریب، ۱۳۸۶، صص. ۹۴، ۹۷؛ زرشناس، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۹). آرایش سازه‌های ساخت فعل ماضی نقلی و بعید را می‌توان از منظر جفت همبستگی ششم درایر (1992)، یعنی فعل کمکی بازنمای زمان-نمود و عبارت فعلی و مؤلفه دوازدهم دبیرمقدم (۱۳۹۲)، یعنی «توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان و نمود» بررسی کرد. درایر (1992, p. 108) برای جفت همبستگی ششم، has eaten انگلیسی را و دبیرمقدم (۱۳۹۰، ص. ۱۲۵) برای مؤلفه دوازدهم «خواهم رفت»، «دارم می‌نویسم» و «رفته بود» فارسی را مثال آورده‌اند.

در جفت‌عنصرهای درایر (1992)، هیچ جفتی نشان‌دهنده آرایش سازه توالی فعل اصلی و فعل کمکی در مفهوم «توانستن» نیست، ولی مؤلفه بیستم دبیرمقدم (۱۳۹۲، ص. ۱۲۷) به این آرایش اختصاص داده شده است. پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است که ساخت وجه امکانی زبان سغدی را باید براساس کدام آرایش بررسی کرد. مؤلفه بیستم دبیرمقدم (۱۳۹۲، ص. ۱۲۷) بر توالی فعل اصلی و فعل کمکی در مفهوم «توانستن» دلالت دارد. اگرچه ساخت وجه امکانی سغدی جایگزین فعلی در مفهوم «توانستن» شده، ولی نمی‌توان ساخت آن را براساس مؤلفه بیستم که توالی فعل اصلی و فعل کمکی در مفهوم «توانستن» است، بررسی کرد زیرا همان‌گونه که نشان داده شد این ساخت فقط جایگزینی برای جبران کمبود واژگان زبان سغدی است. از سوی دیگر ساخت وجه امکانی شبیه دیگر ساخت‌های ترکیبی این زبان چون ساخت ماضی نقلی و بعید است. در این بین باید گونه دوم ساخت وجه امکانی را هم در نظر گرفت. در گونه دوم این ساخت، تقدم انجام کاری پیش از عمل دیگری بیان می‌شود و کاربرد ماضی مقدم (ماضی در حال

انجام) و مستقبل مقدم (آینده در گذشته) را رقم می‌زند. بنابراین آرایش سازه‌های هر دو گونه ساخت وجه امکانی را باید براساس جفت همبستگی ششم درایر (1992)، یعنی فعل کمکی بازنمای زمان-نمود و مؤلفه دوازدهم دبیرمقدم (۱۳۹۲)، یعنی توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود بررسی کرد. فعل کمکی در این ساخت، همواره پس از فعل اصلی می‌آید. بنابه نظریه «هسته و وابسته» درایر (1992)، آرایش سازه‌های ساخت وجه امکانی سغدی، هسته‌پایان یا به عبارت دیگر، سازه هم‌الگو با مفعول مقدم بر سازه هم‌الگو با فعل است، یعنی زبان سغدی در مواجهه با این ساخت، OV است. بنابه نظریه «سوی انشعاب»، آرایش سازه‌های ساخت وجه امکانی سغدی، «چپ‌انشعابی» است، یعنی مقوله انشعابی از سوی چپ مقوله غیرانشعابی گسترش یافته است.

۴-۵. جبران کمبود فعلی در مفهوم «توانستن»

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، ساخت وجه امکانی پدید آمده است تا این کمبود را جبران کند. علاوه بر این، در متون سغدی مسیحی، فعل‌های ترکیبی qt' wn- و qt' r و qt' r پدید آمده‌اند که این کمبود را حل کنند. ترکیب qt' wn- از qt' (kəta) ماده گذشته یا صفت مفعولی فعل krt- «شدن»: krtā->kəta و ماده مضارع wn- «کردن» ساخته شده است. ترکیب qt' r qt' r از qt' همان‌که پیش‌تر درباره‌اش صحبت شد و qt' r صورت تحول‌یافته krt δ' r- که فعل ماضی نقلی متعدی است، ساخته شده است (قریب، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۴؛ Benveniste, 1954, p. 58). به نظر می‌رسد این فعل‌ها نخست در ساخت وجه امکانی به کار رفته و سپس مستقل از آن در معنای «توانستن» کاربرد یافته‌اند.

۱۴ ny qt'wnymq' qt šw pr γ'm nyšq'wym.

بیرون آوریم زور به آن را که خواهیم نه

توانست

ما نخواهیم توانست آن را به زور بیرون آوریم (متن 60V دست‌نوشته‌های مسیحی C2، سطرهای ۱۷-۱۹).

۱۵ c'nw qt'wnymq' qt 'wz'mym γnt'q rwzty'

میل پلید محکوم کنیم که خواهیم چون
توانست

چگونه خواهیم توانست میل پلید را محکوم کنیم (متن 61R دست‌نوشته‌های مسیحی C2، سطرهای ۲۷-۲۸).

جفت‌عنصرهای $qt'wnymq' nyšq'wym$ و $qt'wnymq' wz'mym$ براساس مؤلفه بیستم دبیرمقدم (۱۳۹۲)، یعنی توالی فعل اصلی و فعل کمکی در مفهوم «توانستن»، قابل بررسی است. در این جفت‌عنصر فعل کمکی $qt'wnymq'$ ، آینده اول شخص جمع، به معنی «خواهیم توانست» مقدم بر $nyšq'wym$ «بیرون آوریم» و $wz'mym$ «محکوم کنیم» آمده است. علاوه بر فعل‌های ترکیبی $qt'wn-$ و $qt'qt'r$ که در متون سغدی مسیحی کاربرد یافته‌اند، فعل $\beta'w-$ در متن غیردینی داستان رستم، در معنی «توانستن» به کار رفته است. فعل اصلی که به دنبال $\beta'w-$ آمده، $tyty$ است:

1 1-LPW $\gamma ršy'kh$ $\beta'w'nt$ $tyty$ $'wyh$ $kn\delta yh$.

شهر حرف تعریف درآمدن توانستند به‌سختی یک‌هزار

هزار [تن] به‌سختی توانستند به شهر درآیند (داستان رستم، متن ۱۳ متون سغدی، سطرهای ۳-۴). جفت‌عنصر $\beta'w'nt tyty$ براساس مؤلفه بیستم دبیرمقدم (۱۳۹۲)، یعنی توالی فعل اصلی و فعل کمکی در مفهوم «توانستن»، قابل بررسی است. در این جفت‌عنصر، فعل کمکی $\beta'w'nt$ مقدم بر $tyty$ آمده است. $tyty$ مصدر است که ماده گذشته (ماضی) $tyt-$ و پایانه مصدر ساز $-y$ ساخته شده است (زرشناس، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۱؛ قریب، ۱۳۷۴، ص. ۳۸۷).

در فرهنگ سغدی قریب (۱۳۷۴، ص. ۹۹)، دو مدخل با املای $\beta'w-$ آورده شده است. نخستین آن در معنی «نزدیک شدن» که مشترک در سغدی بودایی، مانوی و مسیحی است و دیگری در معنی «توانستن» و «قادر بودن» که تنها در داستان رستم آمده است. شاید بتوان $\beta'w-$ دوم را در راستای تحول معنایی از $\beta'w-$ نخست که به معنی «نزدیک شدن» است، به شمار آورد. درواقع سغدی کوشیده است که با ایجاد تحول معنایی در فعل «نزدیک شدن» کمبود «توانستن» را جبران کند. البته بررسی چنین احتمالی نیازمند پژوهش مستقل دیگری است. در این جا باید به این نکته اشاره کرد که نه هیچ‌یک از فعل‌های کمکی ساخت وجه امکانی و نه فعل‌های

کمکی -qt' wn, qt' qt'r و -β'w که برای جبران کمبود فعلی در مفهوم «توانستن» در زبان سغدی کاربرد یافته‌اند زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی از ریشه‌ای به معنی «توانستن» ساخته نشده‌اند؛ برای مثال در زبان فارسی میانه، فعل کمکی غیرشخصی *tuwān* (منصوری، ۱۳۸۴، ص. سی‌وهشت) و در زبان پهلوی اشکانی، فعل شخصی با مصدر متمم -šah (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۷).

۵. نتیجه‌گیری

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است که دستگاه فعلش از نظر شکل‌های بیان زمان، وجه و نمود در مقایسه با دیگر زبان‌های ایرانی میانه متمایز است. در این بین، مواجهه این زبان با مفهوم «توانستن» قابل توجه است. در سغدی، ماده فعلی در معنای «توانستن» وجود ندارد. بنابراین ساخت وجه امکانی در این زبان برای جبران این کمبود پدید آمده است. ساخت وجه امکانی از ترکیب فعل‌های کمکی و ماده گذشته (ماضی) ساخته شده است و دو صورت معلوم و مجهول/لازم دارد. وجه امکانی معلوم از ترکیب ماده گذشته (ماضی) و تصریف فعل‌های کمکی *kwn* یا *wn-* «کردن» و وجه امکانی مجهول/لازم از ترکیب ماده گذشته (ماضی) و تصریف فعل کمکی -β(w) «بودن»، «شدن» ساخته شده است. در این ساخت، هیچ سازه‌ای مستقلاً در معنا یا مفهوم «توانستن» نیست، بلکه کنار هم قرار گرفتن سازه‌های فعل اصلی در قالب ماده گذشته (ماضی) و فعل‌های کمکی، مفهوم «توانستن» را القا کرده است.

هدف از نگارش مقاله پیش‌رو بررسی آرایش سازه‌های ساخت وجه امکانی مبتنی بر رویکرد رده‌شناختی آرایش سازه درایر (1992) و دبیرمقدم (۱۳۹۲) بود. درواقع در این پژوهش تلاش شد بنا به رویکردی رده‌شناختی درک ساختارمندتری از جایگاه ساخت وجه امکانی در زبان‌های ایرانی میانه به دست داده شود. آرایش سازه برگزیده کمک کرد تا ارتباط میان سازه‌های این ساخت دقیق‌تر فهمیده و رابطه جزء فعلی و غیرفعلی آن بازبینی شود. بر این اساس نشان داده شد که آرایش سازه‌های ساخت وجه امکانی را باید براساس جفت همبستگی ششم درایر، یعنی فعل کمکی بازنمای زمان-نمود و عبارت فعلی و مؤلفه دوازدهم دبیرمقدم (۱۳۹۲)، یعنی توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود بررسی کرد. زیرا فعل کمکی به‌کاررفته در این ساخت، مستقلاً در مفهوم «توانستن» نیست، بلکه ترکیب فعل کمکی با ماده گذشته (ماضی) ساختی را

پدید آورده که کمبود فعلی در مفهوم «توانستن» سغدی را جبران کند و گرنه مواجهه زبان با این ساخت چون دیگر ساخت‌های ترکیبی فعلی است. از سوی دیگر، ساخت وجه امکانی فقط بر توانایی انجام کاری دلالت ندارد، بلکه با توجه به نظر بنونیست (1954)، این ساخت برای بیان زمان پیش از عمل توصیف‌شده نیز به کار رفته است.

بنابراین بنابه نظریه «هسته و وابسته» درایر، آرایش سازه‌های ساخت وجه امکانی سغدی، هسته‌پایان است، یعنی زبان سغدی در مواجهه با این ساخت ov است و بنابه نظریه «سوی انشعاب»، آرایش سازه‌های ساخت وجه امکانی سغدی، «چپ‌انشعابی» است.

همچنین به این موضوع نیز پرداخته شد که در متن غیردینی «داستان رستم» فعل $\beta'w$ و در متون دینی مسیحی فعل‌های ترکیبی $qt' wn$ و $qt' qt' r$ در معنی «توانستن» به کار رفته و کمبود فعل «توانستن» زبان سغدی را جبران کرده‌اند. آرایش سازه‌های این موارد را می‌توان براساس مؤلفه بیستم دبیرمقدم، یعنی توالی فعل اصلی و فعل کمکی در مفهوم «توانستن» بررسی کرد.

کتابنامه

- حکیم‌آرا، ز. (۱۳۹۱). *بررسی پیکره‌بنیاد آرایش سازه‌ها در فارسی نو* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات].
- دبیرمقدم، م. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. سمت.
- رضایی باغبیدی، ح. (۱۳۸۵). *راهنمای زبان پارتی*. ققنوس.
- زرشناس، ز. (۱۳۹۰). *دستنامه سغدی*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سورن، پ. آ. (۱۳۸۹). *مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب (علی‌محمد حق‌شناس، مترجم)*. سمت. (اثر اصلی در سال ۱۹۹۸ منتشر شده است).
- صابونچی، ع. (۱۳۹۸). *آرایش سازه‌ها در چند متن منثور سغدی مانوی* [رساله دکتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی].
- قریب، ب. (۱۳۷۴). *فرهنگ سغدی*. فرهنگان.
- قریب، ب. (۱۳۸۶). *مطالعات سغدی (م. شکری فومنی، کوشش)*. طهوری.
- منصوری، ی. (۱۳۸۴). *بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی*. فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.
- Benveniste, E. (1929). *Essai de grammaire sogdienne*. Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- Benveniste, E. (1940). *Textes sogdiens*. Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- Benveniste, E. (1946). *Vessantra Jātaka*. Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- Benveniste, E. (1954). Expression de pouvoir en iranien. *Bulletin de la Société Linguistique de Paris*, 56–67.
- Cheung, J. (2007). *Etymological dictionary of the Iranian verbs*. Brill.
- Dabir-Moghaddam, M. (2013). *Typology of Iranian languages*. Samt. [in Persian]
- Dryer, M. S. (1992). The Greenbergian word order correlations. *Language*, 68 (1), 81–138.
- Gershevitch, I. (1961). *A grammar of Manichean Sogdian*. Basil Blackwell.
- Gharib, B. (1965). *Analysis of the verbal system in the Sogdian language* [Unpublished doctoral dissertation]. University of Pennsylvania.
- Gharib, B. (1995). *Sogdian dictionary*. Farhangian. [in Persian]
- Gharib, B. (2007). *Sogdian studies* (M. Shokri Fomani, Ed.). Tahoori. [in Persian]
- Hakim-Ara, Z. (2012). *A corpus-based study of word order change in New Persian* [Unpublished master's thesis, Islamic Azad University, Science and Research Branch]. [in Persian]
- Henning, W. B. (1936). Ein manichäisches Bet- und Beichtbuch Sogdian. *APAW*, 10, 3–143.
- Henning, W. B. (1945). Sogdian tales. *BSOAS*, 12, 465–487.
- MacKenzie, D. N. (1976). *The Buddhist Sogdian texts of the British Library* (Acta Iranica 10). Brill.

- Mansouri, Y. (2005). *An etymological study of Pahlavi verbs*. Academy of Persian Language and Literature. [in Persian]
- Reichelt, H. (1929). Soghdisches III: Zum Sutra von den Ursachen und Wirkungen. *Zeitschrift für Indologie und Iranistik*, 7, 140–151.
- Rezaei-Baghbidi, H. (2006). *A manual of Parthian. Ghoghnoos*. [in Persian]
- Sabounchi, A. (2019). *Word order in some Manichaean Sogdian prose texts* [Unpublished doctoral dissertation, Institute for Humanities and Cultural Studies]. [in Persian]
- Salemann, C. (1913). Manichaeica V. *Izvestiya Akademii Nauk*, 1125–1144.
- Seuren, P. A. M. (2011). *Modern schools of linguistics in the West* (A. M. Haghshenas, Trans.). Samt. (Original work published 1998) [in Persian]
- Sims-Williams, N. (1985). *The Christian Sogdian manuscript C2*. Akademie-Verlag.
- Sims-Williams, N. (1989). Sogdian. In R. Schmitt (Ed.), *Compendium linguarum Iranicarum* (pp. 173–192). Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Sundermann, W. (1985). *Ein manichäisch-soghdisches Parabelbuch*. Akademie-Verlag.
- Sundermann, W. (1991). *Der Sermon von der Seele (Ein Literaturwerk des östlichen Manichäismus)*. Akademie-Verlag.
- Sundermann, W. (1992). *Der Sermon vom Licht-Nous (Ein Lehrschrift des östlichen Manichäismus. Edition der parthischen und soghdischen Version)*. Akademie-Verlag.
- Yoshida, Y. (2009). Sogdian. In G. Windfuhr (Ed.), *The Iranian languages* (pp. 279–335). Routledge.
- Zarshenas, Z. (2011). *A manual of Sogdian language*. Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Persian]